

کانون وکلا

سال سیزدهم فروردین - اردیبهشت - خردادماه ۱۳۴۰ شماره ۷۵

دکتر ابراهیم جهان نما
عضو وزارت امور خارجه

تعریف و توجیه فلات قاره

فلات قاره از مسائل جدید حقوق بین المللی است که درباب آن مؤلفین خارجی تحقیقات بسیار کرده اند. ولی در زبان فارسی غیر از مقالاتی که در این مجله منتشر گردیده (شماره ۵۵ بقلم آقای دکتر ابراهیم قنالی و شماره ۶۶ بقلم آقای دکتر فرهنگ مهر) شاید رساله یا مقاله دیگری در این خصوص چاپ و منتشر نشده باشد. در مقالات مذکور نیز تعریف فلات قاره باختصار برگزار گردیده است. بعلمت ابهام و نارسائی اصطلاح فلات قاره در زبان فارسی و منافع خاص دولت ایران در فلات قاره ای خلیج فارس، در مقاله زیر اصطلاح مزبور و جنبه های مختلف آن مورد بررسی قرار میگیرد.

« فلات قاره ای » یا « فلات قاره » اصطلاحی است که از ترجمه تحت الفظی " Continental Shelf " بزبان انگلیسی و " La Plateau Continental " بزبان فرانسه وارد زبان فارسی شده و جزء مصطلحات جغرافیائی و حقوقی ایران گردیده است.

۱ - کلمه فلات بفتح اول در فارسی بمعنای تارهایی است که جولاهگان برای بافتن مهیا میکنند و بمری دشت و بیابان را گویند و جمع آن فلوآت و فلا و فلی میباشد (برهان قاطع تألیف محمد حسین بن خلف تبریزی - باهتمام دکتر معین و المنجد چاپ پنجم).

در جغرافیا فلات « Plateau » بمعنای قطعه زمین وسیع و مرتفعی است که از مناطق مجاور بالاتر قرار گرفته و از چند صد تا هزار فیت ارتفاع دارد.

بقیه پاورقی در صفحه ۲

تعریف و توجیه فلات قاره

طبق تعریفی که دائرة المعارف بریتانیکا بدست میدهد: « فلات قاره اصطلاحی فیزیکی جغرافیائی برای سکو و پایه‌هایی میباشد که در زیر دریا واقع شده و قاره روی آن قرار گرفته است و چون آب اقیانوسها از حجم گودی‌های کره زمین بیشتر بوده مقداری از آنها بالا آمده و قسمتی از خشکی یعنی پایه‌های قاره را فرا گرفته است فلات قاره شناخته شده »

برای تشریح و توجیه مفهوم فلات قاره محتاج به بیان چند مقدمه هستیم که در زیر مورد بررسی قرار میگیرد:

در فلاتها غالباً رودخانه‌هایی جاری است که بدریاهای اطراف میریزند. در بعضی از فلاتها بر اثر برخورد امواج و سایر عوامل طبیعی پایه و اطراف فلات چنان فرسایش پیدا کرده که فلات را بصورت سلسله جبال درآورده است.

در جغرافیا کلمه « Shelf » برای فلاتهای ارضی استعمال نشده و فقط بصورت مرکب « Continental Shelf » یا فلات قاره ای برای مناطق زیردریائی بکار رفته است (The Worldbook Encyclopedia) جلد سیزدهم صفحه ۶۴۱۲.

کلمه قاره بتشدید راه از مصدر عربی بمعنای فرو نشستن و ساکن و بی حرکت بودن است (المنجد چاپ پنجم) اما این دو کلمه بر رویهم مفید معنای خاصی در علم زمین شناسی و جغرافیاست و مراد از آن مناطق زیر دریائی متصل بساحل است که دنباله قاره یا سکوی قاره و پایه‌ای برای قاره محسوب میشود و بعلمت وجود منابع و ذخائری در آن توجه علمای حقوق را جلب کرده است.

گنشته از اینکه این اصطلاح در زبانهای خارجی کاملاً صریح و دال بر معنای مورد نظر نیست، ترجمه تحت الفظی آن هم در زبان فارسی مفهوم خاص آنرا بدین نمیآورد و جز با توضیح و تشریح خوانند و شنونده را مفید واقع نمیگردد.

بنا بر این اگر بجای ترجمه این اصطلاح بیشتر به مفهوم و « نویسن » آن توجه بشود و اصطلاحی از قبیل « مناطق زیردریائی متصل بساحل » و یا « مناطق تحت البحری مجاور قلمرو دولت » انتخاب گردد بهتر بدرستی و صواب مقرون خواهد بود.

چنانکه خواهیم دید بعضی از مؤلفین حقوق بین الملل هم اصطلاح « Continental Shelf » را کافی و مفید ندانسته در مقام پیدا کردن اصطلاح روشن تری برآمده‌اند.

بعلاوه برای منظور و مقصود حقوقی که در پیش است نارسائی اصطلاح « فلات قاره » پیوسته بر پیچیدگی مطلب میافزاید.

در اینجا لازم است یاد آور شویم که در اولین قانونی هم که از طرف دولت ایران راجع به بهره برداری از منابع طبیعی فلات قاره در تاریخ بیست و هشتم خرداد ۱۳۳۴ بتصویب رسیده رویه احتیاط آمیزی نسبت باستعمال اصطلاح فلات قاره اتخاذ شده و بدون آنکه تعریفی از آن بشود مقرر گردیده که:

« کلمه فلات قاره مشتمل در این قانون همان معنا را داراست که از کلمات مصطلح Continental Shelf بزبان انگلیسی و Plateau Continental بزبان فرانسه مستفاد میگردد »

1 - Encyclopaedia Britannica Vol 6-P. 338-

تعریف و توجیه فلات قاره

الف - مفهوم جغرافیائی و حقوقی فلات قاره :

علمای زمین‌شناس از اوایل قرن نوزدهم با مطالعاتی که در کف دریاها و اقیانوسها بعمل آوردند باین نتیجه رسیدند که هرچه از ساحل بطرف دریا پیش میروند بر عمق آب افزوده میشود اما این افزایش عمق در همه جا بیک نسبت نیست و در یک حد و نقطه‌ای عمق آب ناگهان افزایش زیاد پیدا کرده و به شیب تندى که اصطلاحاً آنرا "Substantial fall-off" گویند ، برخورد میکند .

در آن حد و نقطه که نسبت شیب تغییر کرده و سرازیری دیوار ماندی در زیر آب ایجاد شده ، با اصطلاح زمین‌شناسان یک " edge " یا لبه بوجود آمده که فاصله آن تا ساحل بنام فلات قاره " Continental shelf " و آنچه بین آن لبه و کف اقیانوس قرار گرفته بنام سراسیمی قاره " Continental Slope " خوانده شده است .

علمای مزبور معتقدند که عمق دریا در جائیکه بآن شیب تند بر خورد میکند بطور تقریب در حدود ۲۰۰ متر و یا ۶۰۰ فیت و یا ۱۰۰ فظم (واحد عمق پیمائی fathom) بالغ میشود^۱ . اما این حد تقریبی هم در همه جا صدق نمیکند .

در بعضی از مناطق از جمله در سواحل امریکای جنوبی شیب قاره در فاصله کمی از ساحل به تندى و فرو افتادگی میگراید و در مناطق دیگر مانند سواحل انگلستان تا چند صد میل بنطقه وحد لبه " edge " نمیرسد . هم چنین بین بریتانیا و دانمارک و در خلیج فارس فلات قاره بمعنای فوق دیده نمیشود^۲ .

« یانگ » معتقد است که در حقیقت و واقع هیچ فلات قاره‌ای در خلیج فارس وجود ندارد چه عمق آب در تمام قسمت‌ها از صد فظم fathom کمتر بوده و لبه یا " edge " وجود ندارد .

۱ - رجوع شود بکتاب The Continental Shelf تألیف Dr . Mouton M. W. Netherland - 1952 این کتاب برنده جائزه گروسیوس سال ۱۹۵۲ مؤسسه حقوق بین الملل گردیده است .

۲ - « موتون » از صفحه ۷ کتاب خود ببعد از دانشمندان زمین‌شناس قسمت‌هائی پیرامون تفاوت بین فلاتها در نقاط مختلف نقل میکند که خلاصه آنها چنین است :

بنا بگفته « امبگروو » Umbgrove « وسعت تمام فلاتهای دنیا ۲۷,۵۰۰,۰۰۰ کیلومتر مربع است که بر رویهم ۷/۶ درصد کف اقیانوسها را تشکیل میدهد .

اما میان فلاتهای داخلی « Inner Shelves » و فلاتهای خارجی « Outer Shelves » باید قائل بتفاوت شد .

بنا به تعبیری فلاتهای داخلی از قبیل فلات دریای شمال از آن جهت که قبل از دوران یخبندان خشکی بوده جزء فلات قاره بحساب نمیآید و تنها فلاتهای خارجی که رویهم ۹,۹۰۰,۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارند مورد توجه و بحث ماست . عین این فرق را کرومل « Krummel » تحت عنوان فلاتهای حقیقی « Real Shelves » و فلاتهای مجازی یا اشتباهی « False Shelves » مطرح کرده و برای نوع اخیر فلاتهای دریای بالتیک و خلیج فارس و خلیج هودسن را مثال میآورد .

مؤلف دیگری بنام کوونن « Kvenen » این تفاوت را قبول نکرده اما در عین حال سخن از فلات جزیره‌ای « Insular Shelf » گفته است .

تعریف و توجیه فلات قاره

مورد نظر در خلیج فارس دیده نمیشود بلکه لبه مزبور در بحر عمان است.^۱
« هودسن » نیز در شصت و ششمین جلسه کمیسیون حقوق بین‌الملل در ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۰ ضمن انکار وجود فلات قاره در خلیج فارس از استخراج منابع و ذخایر آن دفاع میکند.

اینکه باید دید دولتها در اعلامیه‌ها و اسنادی که درباره فلات قاره صادر کرده‌اند چه رویه‌ای نسبت با استعمال کلمه فلات قاره پیش گرفته‌اند؟ بطوریکه در فصل آینده ملاحظه خواهیم کرد در بعضی از اعلامیه‌ها مانند اعلامیه رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا - اعلامیه رئیس جمهوری شیلی و فرمان رئیس جمهوری پرو، با آنکه صریحاً از فلات قاره نام برده شده اما مفهوم جغرافیائی آن مورد نظر قرار نگرفته است. در برخی از اسناد مانند بیانیه پادشاهی عربستان سعودی و اعلامیه‌های شیخ نشین‌های خلیج فارس اصلاً اسمی از فلات قاره بمیان نیامده و تعدادی از آنها مانند فرمان دولت کاستاریکا به اصطلاح فلات جزیره‌ای "insular Shelf" در عداد فلات قاره اشاره شده است.

در ماده دوم قانون ۲۸ خرداد ۱۳۳۴ دولت ایران راجع بفلات قاره گفته شده که: « مناطق وهم‌چنین منابع طبیعی کف دریا و زیرکف دریا مجاور ساحل ایران و سواحل جزء ایران در فلات قاره تحت حاکمیت دولت ایران بوده و میباشد ». وانگهی بعضی از اعلامیه‌ها حدی برای فلات قاره معین نموده در حالیکه برخی از آنها از تعیین حد فلات خودداری کرده‌اند.

بطوریکه ملاحظه میشود دولتها از مفهوم فلات قاره استنباطات مختلفی پیدا کرده‌اند مثلاً با آنکه گفتیم در خلیج فارس فلات قاره بمعنای جغرافیائی و ژئولوژیکی وجود ندارد مع هذا دولت ایران درباره فلات قاره‌ای آن قانون وضع کرده و یا با وجود اینکه حد جغرافیائی و طبیعی فلات قاره در بعضی مناطق تا سواحل کشورهای دیگر امتداد پیدا میکند دولتها مصنوعاً آنرا محدود بحد ۶۰۰ فیت نموده‌اند.

اینجاست که به نارسائی و ناتوانی اصطلاح جغرافیائی فلات قاره برای بیان مفهوم حقوقی ادعای دولتها بر مناطق زیر دریائی مجاور سواحل آنها پی میبریم و میگوئیم که نویسون و مفهوم جغرافیائی فلات قاره نمیتواند اساس مفهوم حقوقی حق بر منابع کف و زیرکف دریا قرار بگیرد.^۲

۱ - رجوع شود به Richard Young, The Legal Status of Submarine Areas Beneath the High Sea. The American Journal of International Law. April 1951 از این بیعد برای رعایت اختصار از علامت « A. J. I. L. » برای رجوع بسمله حقوقی فوق‌الذکر استفاده میکنیم.

[2-H] Lauterpacht, K, C. Sovereignty Over Submarine Area. The British Year Book of International Law. 1950 - Vol 24. PP. 372-433

« لوترپاخ یا لوترپاخ » استاد حقوق دانشگاه کمبریج و از مشاهیر و صاحب نظران حقوق بین‌المللی بشمار می‌آید وی دارای تألیفات زیاد در رشته‌های مختلف حقوق بین‌المللی میباشد.

تعریف و توجیه فلات قاره

بعقیده « موتون » گرفتن اصطلاحی از علم دیگر که مناسبت چندانی با منظور ما ندارد مفید نیست. اصطلاحی که در یکی دو مورد قابل استعمال ولی در موارد دیگر غیر قابل قبول باشد، مشکل ما را حل نمیکند.

شاید بهمین جهت هم در گزارش دومین اجلاس کمیسیون حقوق بین المللی با آنکه عنوانش فلات قاره بود نامی از فلات قاره برده نشده بلکه تحت عنوان « مناطق تحت البحری خارج از آبهای ساحلی » موضوع را مطرح کرده و گفته اند که :

« هر جا عمق آب عمل استخراج را ممکن سازد لازم نیست که اقدام با استخراج در آن منطقه منوط بوجود و احراز فلات قاره شود. ^۱ »
زیرا اگر بنا باشد وجود فلات قاره ملاک دارا بودن حق شود آنوقت بکشورهای فاقد فلات قاره بی عدالتی روا میگردد.

حال که داشتن حق بر مناطق زیر دریائی را از نویسیون و مفهوم جغرافیائی فلات قاره منفک ساختیم و برای دول فاقد فلات قاره حق قائل شدیم لازم است تا عده مزبور را بر موردی هم که دولتی دارای مناطق زیر دریائی وسیع است تعمیم داده و اجازه ندهیم آن دولت بیش از حد معین « مثلاً ۲۰۰ متر » برای خود حق قائل شود زیرا در غیر اینصورت باز حق عدهای دیگر از دول ضایع میشود.^۲

لوترپاخ ضمن تصدیق این حقیقت که فلات قاره در معنای جغرافیائی از لحاظ تشریح ترسیمی « گرافیکی » مناطق تحت البحری و از جهت نشان دادن وحدت و پیوستگی خشکی با کف دریا حائز اهمیت و ارزش است پیشنهاد میکند که :

عناوینی مانند « مناطق زیر دریائی متصل بساحل »^۳ و یا مناطق زیر دریائی مجاور قلمرو دولت بجای آن استعمال شود. بر این پیشنهاد سه فایده مترتب است :

اولاً - حقوق بین الملل از گیر و بند یک اصطلاح مصنوعی که دلالت خاص بر موضوع له خود ندارد نجات یافته است.

ثانیاً - در مواردی که وجود فلات قاره انکار میشود از عنوان و اصطلاح پیشنهاد شده بخوبی میتوان استفاده کرد.

ثالثاً - این واقعیت تأیید میشود که بین حق حاکمیت دولت در قلمروش و اختیار صلاحیت آن در مناطق زیر دریائیش تفاوت و اختلاف اساسی موجود نیست.

این نظر مورد توجه « یانگ » قرار گرفته و گفته است که اصطلاح مناطق تحت البحری در قرارداد ونزوئلا و انگلیس نیز بکار رفته و فایده آن اینست که قسمتی از زمینهای فلات قاره را که در حد آبهای ساحلی واقع شده و تحت رژیم آبهای ساحلی بوده و هم چنین فلاتهای جزیره ای را شامل میگردد.

۱ - Report of the International Law Commission Covering its Second Session, 5 June-29 July-1950

۲ - رجوع شود بمقاله « کانس » تحت عنوان فلات قاره و حقوق بین الملل (پیچیدگیها و سوء استفاده هائی که از عنوان فلات قاره شده است) Kuns. T. L. (in A. J. I. L. Vol 59 -1956

۳ - Submarine Area Adjacent to Coast

تعریف و توجیه فلات قاره

قبول این نظریه بجهت منافع خاص دولت ایران بر منابع زیر دریائی خلیج فارس (که وجود فلات قاره اش مورد تردید و انکار واقع شده) و هم از نظر رفع ابهامی که از ترجمه تحت الفظی "Continental Shelf" بوجود آمده بفلات قاره، اهمیت و ارزش بسیار دارد.

ب - مسئله عمق آب در فلات قاره :

در گزارشی که راجع به آبهای سواحل برای سومین کنفرانس جمعیت همکاری بین المللی تهیه گردید چنین گفته شده :

« در تعریف فلات قاره باید نظریه ژئوگرافیک - ژئولوژیکی موضوع مورد توجه واقع شود. . . . هر چند حد خارجی یا سرحد فلات قاره معمولاً به ۳۰۰ متری عمق دریا میرسد اما این رقم، یک حد دقیق و صحیح نیست و بنظر میآید که حد ژئوگرافیک - ژئولوژیکی مرجح باشد. »^۱

راههای دیگر هم برای تعیین اندازه عمق فلات قاره پیشنهاد شده که از جمله حداکثر ۱۰۰ فظم^۲ میباشد.

برای توضیح بیشتر خاطر نشان میسازیم که لبه یا حد خارجی فلات قاره چندان مشخص نیست و بنا بگفته کارسی^۳ :

« فلات دارای وضع مرکب و آمیخته ایستکه با شیبی ملایم تا ۵۰ فظم عمق دریا کشیده شده و بعداً با شیب نسبتاً تندتری تا ۷۰ فظم عمق امتداد مییابد. و از آن بعد افزایش شیب بیشتر شده تا بعد ۱۰۰ فظم عمق میرسد و تقریباً در این نقطه است که شیب بگودی میگردید.

بیشتر مؤلفین ۱۰۰ فظم عمق را در تعاریف و توجیحات خود برای حد خارجی فلات قاره بکار برده و امروز این عقیده مقبول به عموم شده است. »

اما این وضع وقاعده کلی نیست کما اینکه کرومیل گفته که حد خارجی یالبه فلاتهای اقیانوس منجمد شمالی در ۵۰۰ متری عمق اقیانوس قرار دارد.

از طرف دیگر در یادداشت راجع برژیم دریای آزاد مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۰ دبیرخانه سازمان ملل گفته شده که « . . . نمیتوان انکار کرد که تعریف و توجیه حدود

۱ - گزارش راجع بآبهای سواحل و زیرکف و کف دریا به سومین کنفرانس جمعیت همکاری بین المللی ژوئیه ۱۹۵۰ لندن (International Bar Association)

۲ - بطور کلی واحد اندازه گیری فظم (fathom) پنج نوع مختلف است در اینجا منظور ما واحد انگلیسی (برابر ۱/۸۲۹ متر) میباشد. انواع دیگر فظم عبارتند از واحد دانمارکی و نروژی (۱/۸۸۳ متر) - واحد سوئدی (۱/۷۸ متر) واحد اسپانیائی (۱/۶۷۲ متر) واحد هلندی (۱/۶۹۹ متر) میباشد و واحد اخیر کمتر مورد استعمال دارد.

۳ - Carrsey. J. Ben. Bulletin of American Association of Petroleum Geologist Vol 34. No 3 Marh 1950

در این مجله رجوع شود به مقاله تحت عنوان (ژئولوژی مناطق ساحلی خلیج و فلات قاره)

تعریف و توجیه فلات قاره

حدود دریائی فلات قاره درحد ۱۰۰ فظم از لحاظ جغرافیائی حد رضایت بخشی نیست... بعداً با نقل از «بورکارت» که در پی پیدا کردن تعریف حقیقی فلات قاره بوده مینویسد تنها راه صحیح برای توجیه و تعریف فلات قاره بررسی قسمتی است که بین ساحل و اولین شیب تندکف دریا (بهر اندازه عمق) واقع شده.

و بالاخره در یادداشت مزبور پیشنهاد میکند که «... بطور کلی نظریه کنونی فلات قاره یعنی نظریه حد ۲۰۰ متر که فلات بشیب تند میرسد هر چند از لحاظ جغرافیائی قابل انتقاد است بایستی برای منظور حقوقی ما مورد قبول قرار گیرد.»

«موتون» در صفحات ۱۵ و ۱۶ کتاب خود برای تعیین حد عمق فلات قاره بذکر ارقامی از علم زمین شناسی پرداخته و برای این منظور انتخات «واحد فظم» را بهتر و مناسبتر میداند و میگوید اگر حد خارجی فلات یا لبه آن از لحاظ واقعی با حد انتخاب شده ۱۰۰ فظم که در حقیقت حد حقوقی آنست، اختلاف داشته باشد، برای حد حقوقی باید رجحان قائل شد.

ج - چگونگی رویه و سطح فلات قاره و سرایشی بعد از آن :

همانطور که سطح خشکی صاف و هموار نبوده و دارای پستی و بلندی است کف دریا هم صاف و یکنواخت نیست لذا باید قبل از تعریف فلات قاره به چین خوردگیها، شیارها، سطوح نامنظم و فرو رفتگیهای آن اشاره شود.

«اوسبرو»^{۱۳} استاد زمین شناسی سه نوع چین خوردگی در کف دریا تشخیص داده است.

«موتون» عقاید و نظرات دانشمندان زمین شناس را باختصار (در صفحات ۱۶ - ۱۷-۱۸ کتاب فلات قاره خود) جمع آوری و نقل کرده است.

وی میگوید چون در حقوق بین الملل شناسائی دعاوی دولتها بر فلات قاره منوط بامکان استخراج منابع آنهاست در گودبها و دره های فلات قاره (Canyons) که عمیق تر از ۱۰۰ فظم هستند بعلت عدم امکان استخراج منابع معدنی بعنوان فلات قاره حقیقی نمیتوان قائل شد اما منابع بیولوژیکی از این شرط معاف هستند و بنا بر این ادعای بر آنها مانعی ندارد.

گودی یا پستی و فرو رفتگیهای بزرگ که از آنها به "Basins" تعبیر میکنند در صورتیکه عمق آنها از ۱۰۰ فظم تجاوز کند جزء فلات قاره محسوب نمیشود ولی از آنجائی که آن فرو رفتگیها معمولاً بمقدار زیادی از حد ۱۰۰ فظم تجاوز نمیکنند در صورتیکه به حد عمق اقیانوس نرسند ممکن است داخل در تعریف شده و موضوع ادعای حق قرار گیرند.

«یانگ» این نظر «موتون» را مورد انتقاد قرار داده و میگوید نباید دولت ساحلی را

۱ - T. H. F. Umbgrove, Original of the Continental Shelves. Bulletin of American Association of Petroleum Geologist. Vol 30. Part I- 1946

تعریف و توجیه فلات قاره

بعنوان نداشتن استطاعت برای بهره‌برداری منابع خود از حق بر مناطق عمیق فلات قاره‌اش محروم کرد اما حقیقت اینست که در این مورد حتی طبق اصول حقوقی ایجاد نشده تا محرومیت از آن مورد پیدا کند.

تازه ما در مقام آن هستیم که به بینیم چه چیز میتواند بعنوان ادعای حقوقی شناخته شود و مورد قبول قرار گیرد؟

در شصت و هفتمین کمیسیون حقوق بین‌الملل در ژوئیه ۱۹۵۰ نیز امکان استخراج و بهره‌برداری از منابع فلات قاره مطرح شد و در گزارش کمیسیون^۱ قید «تا هر کجا عمق آب اجازه بهره‌برداری دهد» ذکر گردید.

بطوریکه گفتیم دریا پس از گذشتن از حد خارجی فلات قاره یا لبه (edge) به سرایشی تندی میرسد که آنرا سرایشیب قاره‌ای نام داده‌اند.

حال چنانچه سرایشیبی مزبور قبل از عمق ۱۰۰ فظم یا دویست متر ظاهر شود و امکان استخراج هم در آن موجود باشد آیا میتوان به بهره‌برداری در آن منطقه اقدام کرد؟ جواب این سؤال مثبت است.^۲

۵- مسئله عرض در فلات قاره :

اختلافات فاحشی در عرض فلات قاره در سواحل دریاهای عالم وجود دارد. بنا بگفته «کونن» عرض فلات قاره از کمتر از یک تا بیشتر از ۱۰۰۰ کیلومتر تغییر میکند. وسیع‌ترین فلاتهای قاره جهان بقول «کارسی» عبارت از فلاتی است که در سواحل جاوه، مالایا، سوماترا، برنئو کشیده و تا حدود ۲ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد.

دیگر فلاتهای دماغه بهرینگ بین استرالیا و گینه جدید، شرق آرژانتین، کره و دریای شمال است که بر رویهم بیک میلیون کیلومتر مربع بالغ میشوند.

«اوان» میگوید^۳ در سواحل غربی امریکای شمالی و جنوبی در کناره اقیانوس آرام بطور کلی فلات قاره باریک بوده اما درست در مقابل آن در سواحل آسیا عریض‌ترین قسمت فلات قاره‌های عالم دیده میشود که تا حد ۷۵۰ تا ۸۰۰ میل در دریای زرد و خلیج سیام امتداد پیدا میکند.

با این حال اگر مبنای حقوق ادعائی دول در فلات قاره وضع طبیعی و جغرافیائی

۱- گزارش دومین اجلاس کمیسیون حقوق بین‌الملل (ژوئن از ۲۹ تا ژوئیه ۱۹۵۰)

Supplement A/ B/ 16

۲- دو نفر از علمای زمین‌شناسی بنامهای «Kuenen , Weaver» بطور مفصل درباره

شیب قاره‌ای و سرعت آن بحث کرده‌اند. و قسمت هائی از نظرات آنها را «موتون» در فصل اول کتاب خود نقل نموده است (Monton. P 20-22)

۳- Professor F . E von. Submarine Processed of the Continental - ۳
Shelf. World Oil (June 1949)

تعریف و توجیه فلات قاره

آنها باشد آیا درحق عدهای از آنها که بدون فلات قاره هستند و یا درحق دولیکه فلات قاره آنها از حدود آبهای ساحلی شان تجاوز نمیکند ، بی عدالتی نشده است ؟^۱ .

« بریرلی »^۱ در شصت و هفتمین کمیسیون حقوق بین المللی^۲ این موضوع را با ذکر چند مثال از سواحل شیلی و خلیج فارس مورد بحث قرار داده و گفته است که باید این بی عدالتی از بین برود .

اما عدهای از مؤلفین و از جمله «فرانسوا»^۳ و «کوردوا»^۴ میگویند اجرای نظر وی خود نوعی بی عدالتی و ضرر بکشورهای دارنده فلات قاره وسیع بشمار میآید و این امر مالا بنفع دولتهای فاقد فلات قاره تمام میشود .

در یادداشت راجع بر رژیم دریاهاى آزاد که توسط دبیرخانه سازمان ملل تهیه گردیده ضمن بحث از اختلاف عرض فلات قاره گفته شد که این بی عدالتی را میتوان باین ترتیب رفع کرد که :

بدولتهای بدون فلات قاره اجازه داشتن منطقه نظارت داد و بدولتهائیکه فلات قاره وسیعی دارند فقط در حد معینی حق استفاده اعطاء نمود .

بنظر میرسد که اندیشه «عدالت طلبی» ، محرك بعضی از دانشمندان دریان نظریه تعدیلی بالا شده اما حقیقت این است که اصل عدالت چنین انتضائی را ندارد .

«فرانسوا» در ضمن گزارش خود بکمیسیون حقوق بین المللی راجع بدریای آزاد در ۱۷ مارس ۱۹۵۰ میگوید :

«..... جائیکه فلات قاره وجود ندارد اعطای چنان حقی هم ارزش و فایده عملی زیاد ندارد» .

تائید این نظر گزارش کمیته بررسی آبهای ساحلی وابسته به جمعیت همکاری بین المللی میباشد که گفته است :

« این موضوع بمسئله عدالت توزیعی^۵ مربوط میشود . مشکل است بتوان برای دولت سویس که دارای ساحل نیست صنعت ماهیگیری دائر کرد و یا برای هلند که ارتفاعات آلپ را ندارد از منافع توریستی و جهانگردی سخن گفت .

آیا فقدان منابع طبیعی بخودی خود استحقاق دریافت خسارت و جبران نداداری را توجیه میکند ؟ و در صورتیکه چنین باشد آیا اختصاص دادن چند میل از دریا برای دولت

۱ - بریرلی «Brierly» از اساتید حقوق بین الملل و صاحب تألیفات و نظراتی در حقوق

دریائی است

۲ - Summary Record of the 67 th Meeting of International Law Commission. Second Session A, CN, 4, SR-13 July 1950

۳ - Françoise

۴ - Cordova

۵ - Memorandum On the Regime of the High Sea 14 July 1950

(A/ CN/ 4132)

۶ - Justica Distributiva

تعریف و توجیه فلات قاره

ساحلی که فاقد فلات قاره است فایده عملی دارد ؟

« موتون » در این خصوص در صفحه ۲۷ کتاب خود میگوید «.... این مثل تقسیم یک کیک بین بچه‌های گرسنه نیست که با رشک و حسادت مراقب‌اند که سهم همه مساوی بوده و کسی را سهم اضافی داده نشود و آن یکی دو نفری که نشاط و سرور ندارند با دادن مقدار یا قسمت بیشتری شاد گردانید ».

این بی‌عدالتی نوعی بی‌عدالتی جغرافیائی است و حال آنکه فکر تساوی از مکتب سوسیالیسم جهانی سرچشمه میگیرد و قابل تعمیم باین مورد نیست.

ولی بعضی از علماء از توسعه آبهای ساحلی برای رعایت حال دولتهای بدون فلات قاره سخن گفته‌اند.

« یه پز »^۱ با اشاره بوضع دولت شیلی تقاضا میکند که خسارات آندولت باید بنحوی جبران شود و پیشنهاد مینماید که برنظر « فرانسوا » مبنی بر ادامه حق دولت ساحلی تا ۲۰۰ متر عمق این مطلب هم اضافه شود که حق کنترل و ژوریس دیکشن^۲ تا ۲۰ میلی دور از ساحل متعلق بتمام کشورها باشد ولو آنکه بمعنای جغرافیائی فلات قاره نداشته باشند.

اتفاقاً در هفدهمین جلسه کمیسیون حقوق بین‌الملل با اکثریت ۶ رأی در برابر ۵ رأی مخالف نظر بالا تأمین گردید و گفته شد « حق کنترل و ژوریس دیکشن که در این فصل اشاره شده تا فاصله ۲۰ میلی حد آبهای ساحلی متعلق بتمام کشورهای ساحلی است که صاحب فلات قاره بمعنای ماده اول نیستند »^۳.

بنظر مخالفین این ماده دولتی که فلات قاره ندارد ، میتواند از طریق حفر تونل زیردریائی و باصطلاح باروش حفاری مستقیم از خشکی از منابع دریا بهره برداری کند. بالاخره باتعین کمیته فرعی برای بررسی بیشتر موضوع درصد بیست و سومین جلسه کمیسیون حقوق بین‌الملل «فرانسوا» نتیجه مطالعات کمیته را باتغییر حد ۲۰۰ متر عمق « بحد امکان بهره برداری » گزارش داد.

گزارش کمیسیون مزبور درباره فلات قاره در اجلاسیه سوم « از ۱۶ مه تا ۲۷

۱ - برای اطلاع از عقیده Yepes رجوع شود به (1956) Kuns. T. A. J. I. L. Vol 50

۲ - طبق تعریف دائرة المعارف بریتانیکا (صفحه ۱۹۶ - جلد سیزدهم) « Jurisdiction »

در حقوق بمعنای اعمال قدرت قانونی بخصوص بوسیله دادگاهها و قضات است و نیز بمعنای حدودی است که آن قدرت در آنجا اعمال میشود . این کلمه ابتدا دارای مفهوم ارضی و بمعنای حدود قلمرو بوده ولی بعدها بیشتر بمعنای صلاحیت بکار رفته مثلاً گفته میشود دادگاهی در حدود معین صلاحیت قضائی Jurisdiction دارد اما در حقوق بین‌الملل معنی وسیعتری پیدا کرده و آن عبارت از حقوقی است که دولتی در حدود موازین حاکمیت اعمال میکند .

۳ - Summary Record of the 17 th Meeting of International Law Commission 3 rd Session A/ CN/ 4 SR 117-11 August 1951

تعریف و توجیه فلات قاره

ژوئیه ۱۹۵۱ « در تأیید نظر بالا گفته است که موضوع تعیین حد اقل و حداکثر فاصله از ساحل برای عرض فلات قاره مورد مطالعه قرار گرفت ولی نسبت بتعیین چنان اندازه‌هایی احتیاج عملی احساس نگردید.

ه - تعریف فلات قاره:

بررسی تعاریف کمیسیونهای حقوق بین‌الملل وابسته بسازمان ملل متحد درباره فلات قاره از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۸ میلادی:

باتوجه بمقدمات فوق اینک بتعریف فلات قاره برمیگردیم و قبل از هرچیز این نکته را مسلم میداریم که درتعریف فلات قاره تنها مفهوم ژئولوژیکی و معرفه‌الارضی مورد نظر نیست بلکه بیشتر مفهوم ونوسیون حقوقی آن طرف توجه است.

این مطلب را «موتون» در صفحه ۱۰ کتاب خود در آنجا که از نظر «یه پز» درشصت و هشتمین جلسه کمیسیون حقوق بین‌الملل انتقاد کرده بخوبی روشن ساخته است. «یه پز» در آن جلسه گفته که: «..... فلات قاره را فقط ژئولوژیست‌ها و جغرافی دانان میتوانند تعریف و توجیه کنند»^۱.

اما «موتون» در جواب و انتقاد از وی اولاً بگفته «هودسن» درشصت و هفتمین جلسه اشاره میکند که تقاضا کرده اگر اصطلاح فلات قاره را بکار میبرند باید مناطق آبهای سطحی و کم عمق را هم تحت آن عنوان وارد و مقدر بدانند چه در غیر اینصورت فلات قاره طبق مفهوم ژئولوژیکی بر مناطق آبهای سطحی مانند خلیج فارس اطلاق نمیشود و حال آنکه عمق آب اجازه بهره برداری از زیر کف دریا را در آنجا میدهد.

ثانیاً مسائل حقوقی مقتضی نظراتی روشن و حدودی سهل و مشخص است و مفهوم معرفه‌الارضی فلات قاره مشکلات و اختلافات ناشی از تفاوت‌های طبیعی و ارضی کف دریا را بدنبال دارد و چنانکه «بورکارت» گفته پیدا کردن لبه یا حد خارجی فلات قاره دشوار است.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۵۱ طرحی در هفت ماده در باره فلات قاره تهیه کرد^۲ ماده اول آن درتعریف فلات قاره چنین میگوید:

«..... فلات قاره که در اینجا بدان اشاره شده عبارت است از کف و زیر کف دریا در مناطق زیر دریائی مجاور ساحل خارج از آبهای ساحلی تا جائیکه عمق آب اجازه و امکان بهره برداری منابع طبیعی کف و زیر کف دریا را بدهد.»

این تعریف باتعریف معرفه‌الارضی فلات قاره از جهات زیر فرق دارد:

۱ - Summary Record: A, CN. 4, SR 68-14 July 1950

۲ - برای بررسی طرح کمیسیون رجوع شود به:

Richard Young : A.J.I.L. Vol 46 January 1952. P. 123-128

تعریف و توجیه فلات قاره

۱ - کف و زیر کف دریا در منطقه آبهای ساحلی را از تعریف خارج کرده زیرا آن مناطق بطور کامل «Ipso jure» تحت حاکمیت دولت ساحلی قرار دارد.

۲ - حد تسری مفهوم فلات قاره را با ملاک بهره برداری منابع طبیعی معین میکند^۱.

در اینجا باید امکان استخراج را بطور «ابزکتیف»^۲ در نظر گرفت یعنی اگر دولت ساحلی وسایل استخراجی نداشته و یا بجهتی مایل با استخراج منابع خود در مناطق عمیق نباشد ولی دول دیگر دارای چنان وسایلی باشند که بتوانند در عمق بیشتر بهره برداری کنند شرط امکان استخراج در آن عمق احراز شده و بعبارت دیگر تا حدی که استخراج از لحاظ عملی ممکن باشد آن منطقه جزء فلات قاره کشور ساحلی محسوب میشود.

در توضیحاتی که ضمیمه طرح شده در یکجا حد ۲۰۰ متر عمق را برای رفع احتیاجات زمان حاضر کافی تشخیص داده‌اند و در جای دیگر حد مزبور را مانع پیشرفتهای فنی و علمی تلقی کرده‌اند.

همچنین نکات مهم دیگری در توضیحات طرح مزبور دیده میشود که عبارتند از:

۱ - تعریف فلات قاره بر آبهای بالای فلات قاره شامل نمیشود. (تبصره شماره ۱)

۲ - بهره برداری بطریق مستقیم از طریق خشکی «Directional Drilling» داخل در تعریف نیست.

۳ - اصطلاح فلات قاره تنها مخصوص سکوهای قاره‌ای نیست بلکه در مورد جزایر نیز این اصطلاح بکار میرود (تبصره شماره ۴)

در پنجمین اجلاس کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۶۳ تصمیمات سال ۱۹۵۱ و طرح فوق مورد بررسی قرار گرفت و طرح دیگری راجع به فلات قاره تهیه شد که بموجب آن حد ۲۰۰ متر عمق را بجای ملاک امکان بهره برداری و استخراج قرار داده و تعریف جدیدی (ماده ۶۷) برای فلات قاره تهیه کردند.

اما این ملاک مورد انتقاد متخصصین و علماء قرار گرفت (طرح جدید دارای ماده ۷ - از ماده ۶۷ تا ماده ۷۲ - و جزء موافقت نامه حقوق دریائی بود.)

در هشتمین اجلاس کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۵۶ ضمن بررسی مسائل مربوط به رژیم و قوانین بین‌المللی دریاها موضوع فلات قاره نیز مورد توجه و مذاکره قرار گرفت و باتفاق و جمع ملاکهایی که در اجلاس و طرح‌های قبلی تعیین گردید (ملاک امکان بهره برداری و ملاک ۲۰۰ متر عمق) از فلات قاره تعریف جدیدی بدست دادند.^۳

۱ - منظور از منابع طبیعی در اینجا منابع معدنی است زیرا طبق تبصره شماره ۸ منابع بیولوژیکی و منابع ماهی جداگانه مورد بررسی قرار میگیرد.

۲ - Objective (رجوع شود بکتاب موتون.)

۳ - باید متذکر بود که دو ملاک امکان بهره برداری و دویمت متر عمق قبلاً در کنفرانس متخصصین دول آمریکائی در (Ciudad Trujillo) سیوداد تروخیلو پایتخت جمهوری دومینکن در مارس ۱۹۵۶ مطرح گردید و شرکت کنندگان نسبت به آن اتفاق نظر پیدا کردند. رجوع شود به

Report of the 8th Session of International Law Commission

تعریف و توجیه فلات قاره

بموجب قطعنامه شماره (۱×) ۱۱۰۵ مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۵۷ مجمع عمومی سازمان ملل، از دبیر کل سازمان تقاضا شد که مقدمات کار کنفرانس حقوق دریائی را برای اجلاسیه بعد فراهم نماید.

دبیرخانه سازمان نیز باین کار اقدام نمود و سازمانهای مربوطه را مأمور جمع آوری اطلاعات لازم و اسناد و مدارك مفید کردند.^۱

بالاخره کمیته چهارم کنفرانس حقوق دریائی وابسته بسازمان ملل متحد در ژنو مأمور بررسی موضوع فلات قاره و تجدید نظر در مواد طرح ۱۹۵۶ (مواد ۶۷ تا ۷۳) گردید.

کمیته مزبور از تاریخ ۲۴ فوریه تا ۲۷ آوریل ۱۹۵۸ طی ۴۲ جلسه بحث و فحص در اطراف فلات قاره در گزارش کار خود را درپانزده ماده بکنفرانس حقوق دریائی تقدیم کرد و بصورت موافقتنامه ای باسضاء نمایندگان ۸۶ دولت شرکت کننده در کنفرانس رسید.^۲

مذاکرات کمیته در دو قسمت صورت گرفت. در سیزده جلسه اول مسائل و مطالب کلی مربوط بفلات قاره مورد بحث و تقد قرار گرفت.^۳ و در جلسات بعدی بترتیب مواد ۶۷ تا ۷۳ مطرح و پس آزامتاع نظرات موافق و مخالف و اشکالات نظری و عملی، طرح موافقتنامه ۱۵ ماده ای تنظیم گردید.^۴

ماده اول این موافقتنامه فلات قاره را چنین تعریف میکند :

« از لحاظ مواد این موافقتنامه منظور از فلات قاره عبارتست از :

اولاً - کف و زیرکف دریا (بستر یا تحت الارض کف دریا) در مناطق زیر دریائی (تحت البحری) متصل بساحل ولی خارج از آبهای ساحلی تا عمق دو بیست متر و یا ماورای آن تا جائیکه عمق دریا امکان بهره برداری منابع طبیعی را بدهد.

۱ - برای ملاحظه صورت اسناد و مدارك مربوط به مطالعات در حقوق دریاها که قبل از کنفرانس ژنو ۱۹۵۸ جمع آوری شده رجوع کنید بمقاله Whiteman, Marjorie M. In A.J.I.L. Vol 52 (Conference on the Law of the Sea. Convention on the Continental Shelf PP 629-659)

۲ - United Nations Conference on the Law of the Sea, Official Record Vol VI. (Fourth Committee) Continental Shelf (A, Conf, 13, C 42)

۳ - از جمله مطالب کلی که در این جلسات مطرح شد پیشنهاد نماینده دولت جمهوری فدرال آلمان دائر به بین المللی کردن حق استفاده از فلات قاره بود (Internationalization)

شاید محرك این پیشنهاد عدم دسترسی دولت مزبور بمنابع فلات قاره بوده است. پیشنهاد مزبور مورد تأیید نمایندگان مناکو و ژاپن نیز قرار گرفت ولی چندان مورد توجه کمیته واقع نشد.

۴ - نماینده دولت ایران در کنفرانس ۱۹۵۸ نیز شرکت کرد و موافقتنامه مزبور را امضاء نمود. همچنین در ۲۸ خرداد ۱۳۳۴ نیز قانون استفاده از منابع فلات قاره ایران تصویب شد.

تعریف و توجیه فلات قاره

ثانیاً - کف و زیرکف مناطق زیر دریائی مشابهی که متصل بسواحل جزایر هستند» با وجود آن که پیشنهادات زیادی برای تغییر ماده ۶۷ طرح ۱۹۵۶ داده شد و با عدم رضایتی که در کمیته ابراز گردید تنها تغییری که در ماده مزبور صورت گرفت تعمیم دادن تعریف فلات قاره بمناطق زیر دریائی متصل به جزایر بود که در اثر پیشنهاد نماینده دولت فیلیپین بماده اول افزوده شد.^۱

بالاخره ماده اول با اکثریت ۵۱ رأی در برابر ۹ رأی مخالف و ۱۰ ممتنع تصویب گردید.

در اینجا پاره‌ای از پیشنهادات در خصوص تعریف و توحید فلات قاره که مورد قبول کمیته واقع نشده نیز اشاره میکنیم :

پیشنهاد نماینده یوگسلاوی مبنی بر تعیین ۵۵۰ متر عمق بطوریکه بیش از ۱۰۰ میل از حد خارجی آبهای ساحلی دور نباشد.

پیشنهاد نمایندگان فرانسه و لبنان مبنی بر حذف حد امکان بهره‌برداری.

پیشنهاد نماینده هند مبنی بر تعیین ۵۵۰ متر عمق بتنهائی.

پیشنهاد نماینده کانادا با تأیید نماینده آلمان مبنی بر تعیین حد لبه خارجی فلات (Shelf edge) یا ۲۰۰ متر عمق.

پیشنهاد نماینده کانادا مبنی بر حد لبه خارجی فلات یا ۵۵۰ متر عمق.

پیشنهاد نماینده پاناما مبنی بر تعمیم تعریف فلات قاره به سراسیمی فلات (Continental Slope)

پیشنهاد نماینده کره مبنی بر تعیین حد امکان بهره‌برداری و استخراج.

بنظر میرسد که ماده اول موافقتنامه ۱۹۵۸ تعریف نسبتاً جامعی از فلات قاره با توجه به جهات حقوقی - جغرافیائی - ژئولوژیکی^۲ و امکانات فنی بدست داده و در ضمن

۱ - نماینده دولت فیلیپین پیشنهاد کرد که :

در هر کجای این مواد به فلات قاره اشاره میشود مناطق مشابه زیر دریائی متصل ویا محیط بر سواحل جزایر نیز مورد نظر میباشد.

این پیشنهاد با اکثریت ۳۱ رأی در برابر ۱۰ رأی مخالف و بیست ممتنع تصویب و ضمیمه ماده اول گردید. (A, Conf/13/ C 4,11/ L /26)

۲ - برای مطالعه مشروح نظرات دول رجوع شود به Official Record vol VI (Fourth Committee Countinental Shelf (A/ Conf /13 C 42)

۳ - البته باید دانست که از نظر معرفة الارضی محض تعریف فلات قاره بدین صورت اساس علمی ندارد بخصوص از آنجهت که بین فلات قاره و سراسیمی قاره Slope ارتباطی برقرار نشده است.

نماینده پاناما پیشنهاد کرد که چون فلات قاره دنباله قاره میباشد منطقی نیست قسمتی از ترانس قاره ای یعنی سراسیمی آنرا بحساب نیاورده و رها کنیم. (فلات و سراسیمی قاره رویهم ترانس قاره‌ای را تشکیل میدهند) .

تعریف و توجیه فلات قاره

برای دولتی‌هائی که وضع اقتصادی و صنعتی و تجاری آنها ایجاب میکند فرصت استفاده از امکانات و مقدرات بیشتر را منظور داشته است.

نماینده دولت شیلی در مذاکرات مربوط باین ماده گفته است :

دو ملاکی که در ماده مزبور برای تعیین اندازه فلات قاره معین شده نه تنها باهم تناقض ندارند بلکه مکمل یکدیگرند. و چون دولت متبوع وی ذخایر ذغال زیر دریا را در عمق بیشتر از ۲۰۰ متر بدون اشکال استخراج کرده غیر عادلانه است اگر آندولت را از این حق محروم بدارند.

اما نمایندگان بعضی از دول منجمله فرانسه ملاک بهره برداری را بعلت نامعلوم و متغیر بودن حدامکان استخراج و بهره برداری مورد انتقاد قرار داد و با دول امریکای جنوبی مخالفت کرد .

بعضی دیگر از نمایندگان اصولاً انتخاب دو ملاک و معیار را برای فلات قاره خوب و صحیح ندانسته‌اند.

نماینده دولت انگلیس پیشنهاد کرد که اصولاً اصطلاح فلات قاره باید کنار گذاشته شود تا اشکالات ناشی از تطبیق و تلفیق مفهوم ژئولوژیکی فلات قاره با هدفهای ماده ۶۷ آیین برود.

نماینده مزبور بعداً برای احتراز از عدم ثباتهای ناشی از انتخاب ملاک « امکان بهره برداری » پیشنهاد تعیین ملاک عمق بتهائی را کرد^۱.

پیشنهاد نماینده انگلیس مورد انتقاد نماینده کلمبیا قرار گرفت زیرا بنظری تعیین حد معین برای اکتشاف و استخراج مانع پیشرفت و ترقی علمی و فنی میشود و دائماً باید با ترقی علوم تغییر کند و قابل اعتماد نیست چه دولتها قراردادی را که در آینده در این خصوص بسته شود بعلت اشکالات ذاتی همیشه نفی میکنند. بنظر همین نماینده اصطلاح فلات قاره از آن نظر که معروفیت دارد و میتواند مبنای قضائی برای حق بر مناطق زیر دریائی قرار بگیرد باید همچنان در ماده اول منعکس شود.^۲

درخاتمه این بحث لازم است یادآور شویم که در ماده اول موافقتنامه ۱۵ ماده‌ای ۱۹۵۸ در تعریف فلات قاره ابتدا (و یا حد داخلی) فلات قاره بعد از آبهای ساحلی تعیین شده بنابراین ضروری است مختصری راجع به آبهای ساحلی ذکر شود :

- ۱ - نماینده انگلیس بعلت عدم قبول پیشنهادش از دادن رأی ب ماده اول خودداری کرد.
 - ۲ - نماینده هلند برای اصلاح تعریف فلات قاره در ماده ۶۷ دو پیشنهاد بکمیت داد :
- اول آنکه برای رهائی از پیچیدگیها و اختلافاتی که در اصطلاح فلات قاره وجود دارد بجای آن قلمرو یا منطقه زیر دریائی ساحلی « Coastal Submarine domain » انتخاب شود .
- نماینده سیلان هم از این پیشنهاد بجهت آنکه مفهوم قضائی فلات قاره بهتر روشن میشود پشتیبانی کرد .
- دوم آنکه چون بین ساحل و فلات قاره آبهای ساحلی قرار گرفته‌اند بهتر آنست بجای لغت adjacent کلمه مجاور in the Vicinity گذاشته شود اما نماینده سیلان برعکس مورد پیش اصلاح دوم را قبول نکرده و آنرا مبهم دانست .

تعریف و توجیه فلات قاره

بطوریکه میدانیم از قدیم الایام مسئله تعیین حدآبهای ساحلی مورد توجه دانشمندان حقوق بین الملل بوده و بعقیده بعضی علت اصلی تشکیل کنفرانس لاهه ۱۹۳۰ تعیین حد آبهای ساحلی بوده است که بعلت منافع خاص و متعارض دولتها در آن زمینه توافقی حاصل نشد. مسئله آبهای ساحلی و منطقه نظارت در دستور کنفرانس حقوق دریائی ۱۹۵۸ ژنو قرار گرفت و کمیته اول کنفرانس مأمور رسیدگی باین موضوع گردید.^۱ در این کنفرانس بیش از ۷۰ کشور با تعیین اصل ۳ میل آبهای ساحلی که دول بزرگ دریائی مدافع آن بودند مخالفت کردند و بخصوص کشورهای آسیائی و افریقائی پائشاری زیاد بخرج دادند.^۲

کنفرانس مزبور بعلت اختلاف نظرهای موجود نتوانست حدی برای آبهای ساحلی تعیین کند اما دول بزرگ دریائی در اثر مخالفتها مجبور گردیدند که از سیاست دیرینه خود یعنی دفاع از حد ۳ میل عدول کند و ۶ میل حدآبها ساحلی هر چند در کنفرانس مورد تصویب قرار نگرفت اعتبار بین المللی پیدا کرد.

ضمناً در مجمع عمومی تشکیل کنفرانس دیگری در آینده نزدیک برای بررسی موضوع پیشنهاد گردید.^۳

اینک با توجه به مقدمه بالا متذکر میشویم که حد شروع یا ابتدای منطقه فلات قاره ای طبق موافقتنامه ۱۹۵۸ بلافاصله بعد از حد انتهائی آبهای ساحلی (که تا کنون نسبت باندازه آن وحدت نظر بین دولتها حاصل نشده) در کف و زیر کف دریا احتساب می گردد.

ضمناً باید دانست که دولتها طبق قواعد مسلم حقوق بین الملل بر آبهای ساحلی و مناطق زیر دریائی خود حاکمیت دارند بهمین جهت نماینده دولت «پرو» پیشنهاد کرد که موافقتنامه فلات قاره باید با توجه بمذاکرات راجع بآبهای ساحلی تفسیر و تعبیر شود.

۱ - Official Record Vol III. A, Conf. B, C, -L 1 to 168

۲ - جناب آقای دکتر هتین دفتری رئیس هیئت نمایندگی دولت ایران در جلسه مورخ ۱۷ مارس ۱۹۵۸ طی نطق بلیغی بدفاع از حقوق کشورهای کوچک چنین گفتند :

« هیچکس منکر وجود قاعده حد ۳ میل دریائی در حقوق بین المللی دریائی نیست اما برای ما احیاناً این سؤال پیش میآید که از این قاعده چه کشورهائی بهره مند میشوند زیرا بین آزادی بالقوه و آزادی بالفعل خیلی تفاوت هست البته طبیعی است که ممالک بزرگ بحری همیشه طرفدار و خواهان آزادی دریا بوده اند برای آنکه آنها هستند که در واقع و نفس الامر از آن استفاده میکنند و این استفاده تقریباً برای آنها انحصاری شده »

بمبارت دیگر با استناد بآزادی دریاها آنها طالب سیادت دریاها هستند تلاش کردن برای اینکه مقررات حقوق بین الملل همانطوریکه در قرن ۱۹ و قبل از آن معمول بود تا ابد ادامه یابد و چسبیدن بمعادات و رویه های دیرین و مقاوله نامه های کهنه که اکثراً بدون شرکت ممالک آسیائی و افریقائی تنظیم شده و اصرار باینکه در این کنفرانس فقط قواعد سابق ماده بندی شود در حکم آنست که شأن نزول این کنفرانس را نادیده بگیریم . »

۳ - این کنفرانس نیز در سال ۱۹۶۰ در ژنو تشکیل شد .